

موضوع مقاله:

تجسم و ملکوت برخی اعمال انسان در آینه آیات و روایات

پژوهشگر:

معصومه روحنواز (فارغ التحصیل سطح 2)

تعریف و تبیین موضوع

همچنان که انسان از دو جنبه ظاهری و باطنی تشکیل یافته است، اعمال انسانی نیز دارای همین دو جنبه می‌باشد. غالب انسان‌ها در دار دنیا صرفاً با چهره ظاهر اعمال مواجه‌اند و از رویت چهره باطن آن محروم می‌باشند در حالی که وقتی انسان از دنیا می‌رود چون وارد باطن اعمال می‌گردد چهره غیبی و باطنی و ملکوتی اعمال را مشاهده می‌نماید و به خاطر این که عمل با صاحب آن متحد می‌گردد در فردای قیامت انسان‌ها با اعمالشان محشور می‌شوند و باطن اعمال آن‌ها هویدا می‌شود. آن که صاحب عمل نیکو است در هیبتی زیبا و فاخر و ارزشمند و آن که صاحب عمل ناپسند است در کسوتی زشت و اسفبار. پس این خاصیت و اثر خود عمل است که همیشه همراه عمل می‌باشد اما در دنیا از ما پوشیده است.

بنابراین مراد از باطن و ملکوت اعمال همان چهره واقعی و غیبی و پنهان آن‌هاست که چهره حقیقی

انسان را تشکیل می‌دهند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

از آنجایی که انسان‌ها به خاطر سرگرمی به مشاغل روزمره، تنها به بعد ظاهری اعمالشان توجه دارند و از ملکوت و باطن آن‌ها غافلند در حالی که تنها چیزی که موقع مرگ با خود می‌برند همین اعمال خواهد بود پس لازم است باطن اعمال خوب و بد شناخته شود به امید این که با دقت در تجسم و صورت واقعی هر یک از اعمالمان به سعادت دنیا و آخرت نائل آییم.

لذا در این تحقیق سعی بر این است تا به بررسی باطن و ملکوت برخی اعمال از دیدگاه قرآن و روایات پرداخته شود.

اهداف و فوائد تحقیق

هدف از این تحقیق، اثبات وجود تجسم اعمال بعد از مرگ و در قیامت و همچنین بررسی بعد باطنی و واقعی برخی از اعمال خوب و بد از دیدگاه آیات و روایات می‌باشد، تا کسب آگاهی نسبت به موضوع مورد نظر، تلنگری باشد نسبت به غفلتی که به این همراه همیشگی داریم تا در صدد اصلاح رفتار و اعمالمان برآییم.

این تحقیق می‌تواند مورد استفاده طلاب و دانشجویان علوم دینی قرار گیرد که در مورد تجسم و باطن اعمال تحقیق و پژوهش انجام می‌دهند.

پیشینه تحقیق

در جستجوهای که به عمل آمد کتاب و یا تحقیق پایانی تحت این عنوان نوشته نشده است ولی در برخی منابع مربوط به بحث معاد، به این مسئله پرداخته شده است که می‌توان به کتاب‌هایی مانند: معاد و یا بازگشت به سوی خدا از محمد شجاعی (1382ش)، معاد از شهید مرتضی مطهری (1382ش)، منازل الآخرة از شیخ عباس قمی (1388ش) اشاره کرد که مطالب آن‌ها مرتبط با این موضوع می‌باشد. در بعضی کتب روایی نیز روایت‌های این بحث مورد توجه قرار گرفته است.

مفاهیم و اصطلاحات

تجسم اعمال: در لغت یعنی تناور شدن، دارای جسم شدن اعمال، جسم پذیرفتن اعمال است.^۱ و در اصطلاح یعنی اینکه اعمال و افکار و نیات انسان در روز قیامت مجسم می‌شود و به صورت واقعی خود همراه انسان پا به صحنه محشر می‌گذارد.^۲

باطن اعمال: اندرون، حقیقت، اصل و ضمیر اعمال است.

ملکوت: در لغت عظمت، بزرگی، عالم مجردات، عالم مختص به ارواح و نفوس.^۳ و در اصطلاح عبارت از باطن جهان است در حقیقت ملکوت هر چیز جان آن است که آن چیز به او قائم است. مفهوم ملکوت فقط شامل رفتارهای نادرست نیست بلکه تمام رفتارهای انسان را شامل می‌شود. درآموزش‌های اسلامی اعتقاد بر این است که حقیقت یا واقعیت هر عمل با عنوان ملکوت در روز قیامت مجسم می‌شود.^۴

چکیده

یکی از مباحثی که در موضوع معاد به آن پرداخته شده است بحث تجسم اعمال است. در واقع اعمال ما صورتی ملکی و ظاهری دارند که فانی و موقت بوده و آن همان است که در این جهان به صورت سخن یا عملی ظاهر می‌شود و صورت و وجهای ملکوتی و باطنی دارند که پس از صدور از ما هرگز فانی نشده و هیچ وقت از ما جدا نمی‌شود. و از طریق همین وجهه ملکوتی و چهره باطنی باقی است و روزی، ما به آن اعمال خواهیم رسید و آن‌ها را با همان وجهه و چهره مشاهده خواهیم کرد. طبق آیات قرآنی و روایات رسیده از ائمه اطهار (علیهم السلام) هر انسانی در قیامت در مقابل واقعیت عمل خویش قرار می‌گیرد و جزا همان واقعیت عمل اوست که سیمای اخروی و حقیقی خود را نشان

1- محمد، معین، فرهنگ معین، چاپ دوم، ج 4، تهران: ثامن، سال 1386ش، ص 3367.

2- حسین، مظاهری، معاد در قرآن، چاپ پنجم، قم: شفق، سال 1372ش، ص 92.

3- محمد، معین، همان کتاب، ج 4، ص 2969.

4- سایت azha.ir تاریخ 1392/8/1.

می‌دهد. در واقع آنچه که در آخرت به عنوان پاداش و کیفر به نیکوکاران و بدکاران داده می‌شود تجسم عمل خود آنهاست. برخلاف نظر عده‌ای از دانشمندان، عمل از نوع عرض نیست که بعد از انجام دادنش نابود شود و امکان تبدیل آن به جوهر (تجسم عمل) نباشد بلکه با توجه به قانون بقاء ماده و انرژی، عمل بعد از انجام، از بین نمی‌رود بلکه به صورت انرژی‌هایی در می‌آید که به هیچ عنوان نابود نمی‌گردد و در روز قیامت بار دیگر به فرمان خداوند جمع آوری شده و به صورت جسمی در می‌آیند.

در حقیقت سپر آتش بودن در قیامت، بروز و ظهور به صورت شخصی نورانی، جلوگیری از آتش و هول و فشار قیامت، نور میان دو چشمان، رهایی از بند شیاطین، درخشش در میان بهشتیان، دستیابی به لذت ایمان و... تمثیل و ظهور برزخی و اخروی اعمال خوب و شایسته و همان انرژی‌هایی است که در دنیا قابل مشاهده نبود و در آخرت با کنار رفتن حائل‌ها و حجاب‌ها قابل رویت شده است. همین طور محسوس شدن به صورت مرده خوار و خوک و سایر حیوانات، یا در حال خوردن آتش، یا موجودات ریز لگد مال شده و یا به شکل موجودات بد بو و متعفن و ... تمثیل و ظهور برزخی و اخروی عقاید و اعمال بد و ناشایست است که انسان به خاطر قرار گرفتن در مرتبه نازل حیات انسانی که همان «الحيوة الدنيا» است، در یک محدودیت خاص بوده و قدرت درک عوالم بالاتر و این صورت‌ها و واقعیت‌های روشن و اصیل را ندارد.

البته انسان می‌تواند در این دنیا آن‌چنان خودش را بسازد و کامل کند که در آخرت به صورت انسانی خود محسوس شود چرا که در نظر پیروان مکتب انبیاء دنیا، کلاس تحصیل کمال و فضیلت و انسانیت است.

کلید واژه‌ها: تجسم اعمال، باطن اعمال، ملکوت

مقدمه

یکی از تفاوت‌های مهمی که بین عالم طبیعت، یعنی جهان قبل از مرگ و ماورای طبیعت، یعنی عوالم بعد از مرگ، وجود دارد و جریان قیامت را که یکی از اصول دین ماست به طور وضوح در خاطره‌ها احیا می‌کند، مسأله تجسم و تمثیل اعمال است.

از آیات قرآنی و روایات اولیای دین برمی‌آید که اعمال خوب درست‌کاران و کارهای نادرستان، به گونه‌ای که بر ما مجهول است، در عالم برزخ و قیامت مجسم می‌گردند و همه انسان‌ها اعمال روا و ناروایی را که در دنیا انجام داده‌اند، خواه کوچک باشد، خواه بزرگ، در مقابل خویش حاضر می‌یابند و از نزدیک مشاهده می‌کنند.

در واقع همین الفاظ و سخنان و اعمال نیک و بدی که در این زندگی انجام می‌دهیم و ظاهراً نابود و فراموش می‌شوند، در روز رستاخیز به صورت موجودات مستقلی در می‌آیند که همنشین‌های اصلی ما را تشکیل می‌دهند و از ما دور نخواهند شد و سعادت و شقاوت ما بستگی به آن‌ها دارد. و اگر کسی معتقد به این امور باشد خود را در برابر تمام کارهایش مسئول خواهد دید و مواظب کارهای خود خواهد بود و اگر برای کار خودش حسابی باز نکند، طبعاً حساب نشده اقدام به انجام کاری نمی‌کند.

این اندیشه، انسان را تعالی می‌دهد و در جهت حرکت در مسیر هدف خلقت‌اش که رسیدن به لقاءالله است او را یاری می‌کند.

اثبات تجسم اعمال از نظر آیات و روایات

معنای تجسم اعمال

تجسم اعمال عبارت است از این که در روز قیامت اعمال و نیات و افکار انسان مجسم می‌شود. یعنی، اگرچه اعمال انسان پس از انجام، معدوم می‌شود، ولی این‌ها ظاهر امر است. در واقع کردار و نیات انسان از بین نمی‌رود و در روز قیامت با صورتی متناسب خویش و بصورت حقیقی و واقعی مجسم می‌شوند و همراه انسان پا به صحنه محشر می‌گذارند.^۱

در حقیقت اعمال ما با صور اصلی خود در باطن ما موجود هستند و قائم به وجود ما می‌باشند و همین که روح ما از بدن مادی قطع علاقه نمود و به عالم برزخ وارد گشت و با همه آن‌چه دارد در برابر نظام جدید و احکام و قوانین جدید قرار گرفت، هر یک از اعمال ما به مقتضای آن نظام و احکام و قوانین آن به صورت خاصی در می‌آید و تجسم پیدا می‌کند.^۲

تجسم و ملکوت اعمال در آیات قرآنی

از آیات زیادی استفاده می‌شود که آن‌چه انسان در قیامت مشاهده می‌کند و آن‌چه آن روز با آن مواجه می‌گردد، چه امور مطلوب و خوب باشد و چه نامطلوب و بد، همان چیزی است که در زندگی دنیوی خود داشته است الّا این‌که همان داشته‌های خود را در آن روز با صورت‌های اخروی و واقعی آن‌ها می‌یابد.

آیات قرآنی درباره این‌که قرین انسان پس از مرگش نتیجه کردارهایش خواهد بود، بسیار است در این جا به چند نمونه اکتفا می‌شود.

1- حسین، مظاهری، معاد در قرآن، چاپ پنجم، قم: شفق، سال 1372ش، ص 92.

2- محمد، شجاعی، معاد یا بازگشت به سوی خدا، چاپ اول، تهران: ناشر شرکت سهامی، سال 1382ش، ص 33.

1- قرآن می‌فرماید: «يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ * فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَ مَنْ

يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ. آن روز، مردم [به حال] پراکنده برآیند تا [نتیجه] کارهایشان به آنان نشان داده شود. پس هر که هم‌وزن ذره‌ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید. و هر که هم‌وزن ذره‌ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید».

این آیات برای خود از لحن خاص و نکات بخصوصی برخوردار هستند که دقت و تأمل در آنها انسان را به حقایق زیادی هدایت می‌کند. تعبیر «لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ» حکایت از این امر می‌کند که صدور انسان‌ها و بیرون آمدن آنها از قبور برای نشان دادن اعمال آنان به خودشان می‌باشد.

منظور از ارائه اعمال انسان‌ها به آنها، معنی وسیع آن، یعنی تجسم‌ها و صور اخروی همه عقاید و اوصاف و اعمال و همه خصوصیات تشکیل دهنده راه و روش انسان‌ها به آنان نشان داده می‌شود و همه را می‌بینند و با همه مواجه می‌گردند.

سپس می‌فرماید: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ، وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ». تعبیر «يَرَهُ» با توجه به مرجع ضمیر و با توجه به معنی آن، به خوبی دلالت بر این حقیقت می‌کند که هر کسی نفس عمل خویش را اگر چه بسیار کوچک باشد، در آن روز می‌بیند، چه عمل خیر باشد و چه عمل بد، یعنی هر کسی صورت اخروی عمل خویش را می‌بیند.

با دقت و تأمل در لحن آیات شریفه و در مضامین آنها به دو مسئله می‌توانیم پی ببریم:

مسئله اول، مسئله تجسم و تمثیل اعمال به تعبیری، مواجه شدن انسان در عالم آخرت با صور باطنی

اعمال^۲.

مسئله دوم، عبارت است از این که تجسم‌های اخروی اعمال، غیر از تجسم‌های برزخی آنهاست

(لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ) منظور اعمالی است که تا آن روز ندیده‌اند و با آنها مواجه نگشته‌اند. یعنی آنچه در آن

1- سوره زلزال (99) آیات 6-8.

2- محمد، شجاعی، همان کتاب، ص 41؛ حسین، مظاهری، همان کتاب، ص 97.

روز می‌بینند غیر از صورت‌هایی است که در برزخ دیده بودند. در واقع تمثلهای برزخی اعمال، مرتبه نازل تری از تجسم‌های اخروی آنهاست نه عین آنها.

2- می‌فرماید: «وَكُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَ نَخْرُجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَلْقَاهُ مَنشورا. او کارنامه هر

انسانی را به گردن او بسته‌ایم، و روز قیامت برای او نامه‌ای که آن را گشاده می‌بیند بیرون می‌آوریم». در

آیه شریفه، مقصود اعمال انسان است. و «طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ» یعنی عملش در گردنش هست و نمی‌گوید در

دستش، علت آن است که می‌خواهد بفهماند عمل انسان هم‌چون طوقی در گردن اوست و گاهی اوقات

اعمال انسان به اشکال مختلف در عالم برزخ مجسم می‌شود و هرگز از او جدا نخواهد شد.

این آیات و ده‌ها آیه دیگر، می‌رساند ما، در روز رستاخیز عین عمل را به صورت کامل‌تر می‌یابیم و

این همان تجسم اعمال است که دانشمندان اسلامی به آن قائل‌اند.

تجسم و تمثیل اعمال از نظر روایات

موضوع تجسم برزخی و اخروی اعمال در بیانات وارده از حضرات معصومین (صلوات الله و سلامه علیهم

اجمعین)، با کمال صراحت به چشم می‌خورد. تعبیرات واقع در روایات در عین این‌که دلالت صریح بر این

موضوع دارد، از نکات و اشارت‌های خاصی برخوردار است که هرکسی به اندازه دقت و تعمق خود، می-

تواند از آنها برداشت‌ها و استفاده‌هایی داشته باشد و به حقایق و اسرار زیادی در باب تمثیل اعمال پی

ببرد.^۲ در این‌جا به ذکر چند نمونه از روایات اکتفا می‌کنیم. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «الْمَرْءُ

1- اسراء (17) آیه 13.

2- اصغر، طاهرزاده، معاد یا بازگشت به جدی‌ترین زندگی، چاپ سوم، اصفهان: گروه فرهنگی المیزان، سال

1386ش، ص 44.

لَا يَصْحَبُهُ إِلَّا الْعَمَلُ. آدمی را چیزی جز عمل، همراهی نمی‌کند». پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در جواب قیس که تقاضای موعظه کرده بود، فرمود: «ای قیس! ناچار تو را همدمی است که با تو دفن می‌شود و او زنده است و تو با او دفن می‌شوی در حالی که تو مرده‌ای. اگر کریم و بزرگوار باشد تو را گرامی می‌دارد و اگر پست و فرومایه باشد، تو را تسلیم می‌کند. سپس آن همدم جز با تو محشور نمی‌شود و جز درباره او از تو بازخواست نمی‌شود، پس آن را جز شایسته و صالح قرار مده؛ زیرا اگر خوب باشد، با وی انس می‌گیری و اگر بد باشد، جز از او وحشت نمی‌کنی و آن همدم، کرادر توست».^۲

وجود تجسم و ملکوت اعمال در دنیا

از برخی از آیات قرآنی استفاده می‌شود که انسان‌ها در این دنیا نیز از باطن اعمال خود بهره‌مند می‌شوند و برخورداری از باطن اعمال صرفاً مربوط به عالم برزخ و آخرت نیست. مانند آیه: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ».^۳

اگر اهل شهرها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند برکات آسمان‌ها و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم ولی (آن‌ها حق را) تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم». گرچه آیه شریفه مورد بحث، ناظر به وضع اقوام پیشین است ولی مسلماً مفهوم آن یک مفهوم وسیع و عمومی و دائمی است، و انحصار به هیچ قوم و ملتی ندارد و این یک سنت الهی است که افراد بی‌ایمان و فاسد گرفتار انواع واکنش‌ها در همین زندگی دنیای خود خواهند شد.

1- محمد، ری شهری، میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، ج 8، چاپ هشتم، قم: دارالحدیث، سال 1386 ش، ص 150؛ محمدرضا، حکیمی و دیگران، الحیاء، مترجم احمد آرام، ج 1، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، سال 1380 ق، ص 464.

2- محمد بن علی، ابن بابویه، الخصال، مصحح علی اکبر غفاری، ج 1، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، سال 1362 ش، ص 114؛ محمد، ری شهری، همان کتاب، ج 8، ص 184.

3- سوره اعراف (7) آیه 96.

به تعبیر قرآن، این وابسته به «کسب و اکتساب» و اعمالی است که خود انسان انجام می‌دهد.^۱ نظیر این آیه شریفه و آیه‌ای که در پی می‌آید در قرآن کریم بسیار است. در این گونه آیات، برکات و بلاها همان اعمال انسان معرفی می‌شود: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»^۲ خداوند منطقه‌ای را مثل زده است که امن و امان بود و روزی (اهل) آن منطقه از هر سو می‌رسید اما نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشاند». و این در قبال کفرانی بود که بطور استمرار به نعمت‌های خدا می‌ورزیدند و خداوند در نتیجه عملشان آنان را مجازات کرد. این مجازات همان تجسم خود عمل آنان بود که در دنیا شامل حالشان شد.^۳

امکان مشاهده ملکوت اعمال در دنیا

علاوه بر مطالبی که درباره باطن اعمال در برزخ و قیامت ذکر شد می‌توان از برخی آیات و روایات استفاده نمود که حتی در این دنیا هم می‌توان ملکوت اعمال را مشاهده کرد: مانند آیه: «وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ لِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ»^۴ و این گونه ملکوت آسمان‌ها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم تا از یقین‌کنندگان شود». و در فرمایش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) که

^۱- ناصر، مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، تفسیر نمونه، چاپ بیست و ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، سال 1385ش، ج 6، ص 322.

^۲- سوره نحل (16) آیه 112.

^۳- محمد حسین، طباطبایی، تفسیر المیزان، مترجم محمد باقر موسوی همدانی، 4 جلد، چاپ بیست و هشتم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، سال 1388ش، ج 12، ص 523.

^۴- سوره انعام (6) آیه 75.

فرمود: «لَوْ لَا أَنَّ الشَّيَاطِينَ يَحُومُونَ عَلَى قُلُوبِ بَنِي آدَمَ لَنَظَرُوا إِلَى الْمَلَكَوتِ»^۱ اگر نبود این که شیطان‌ها بر گرد دل‌های آدمیان می‌گردند هر آینه انسان‌ها ملکوت را می‌دیدند».

تجسم و ملکوت اعمال از دیدگاه دانشمندان

دانشمندان درباره تجسم و ملکوت اعمال، عقاید گوناگونی دارند:^۲

- 1- دسته‌ای از آن‌ها معتقدند: جزاء اعمال، مانند پاداش و کیفرهای این جهان، از روی قرارداد است یعنی چنان که در این جهان برای هر کار بدی کیفری از طرف قانونگذاران تعیین شده است، خداوند هم برای هر عملی، کیفر و یا پاداش خاصی معین نموده است.
- 2- دسته دیگر معتقدند: تمام کیفرها و پاداش‌ها، مخلوق نفس و روح انسانی است. به این بیان که: اعمال نیک و بد در این جهان در روح انسانی، ملکاتی خوب و بد، ایجاد می‌نماید، و این ملکات، جزء ذات او می‌گردند. و در روز رستاخیز، خلاق نعمت‌ها، شکنجه‌ها، آرامش و عذابند.
- 3- دسته دیگر معتقدند: عمل از جنس «عرض» است نه «جوهر»، (نه خواص ماده است و نه خود ماده) و دیگر این که عمل بعد از وجودش محو و نابود می‌شود.

که البته با توجه به دو نکته هم پاسخ این دو ایراد روشن می‌شود و هم چگونگی تجسم اعمال. نخست این که: امروزه ثابت شده هیچ چیز در جهان از میان نمی‌رود حتی اعمال ما. اگر ما سخن می‌گوییم صدای ما به صورت امواج خاص صوتی در فضای اطراف پخش می‌شود، و به ملکول‌های امواج هوا و دیوارهای اطراف و بدن ما اصابت کرده و تبدیل به انرژی دیگری می‌شوند، آن انرژی نیز ممکن

1- محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی، بحار الأنوار (ط - بیروت)، مصحح جمعی از محققان، 111 جلد، چاپ دوم، بیروت: داراحیاء التراث العربی، سال 1403 ق، ج 67، ص 27؛ عبد علی بن جمعة، العروسی الحویزی، تفسیر نور الثقلین، مصحح سید هاشم، رسولی محلاتی، قم: اسماعیلیان، سال 1415 ق، ج 1، ص 728؛ علی خان بن احمد، کبیر مدنی شیرازی، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، مصحح محسن حسینی امینی، ج 5، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی، سال 1409 ق، ص 11؛ میرزا حبیب الله، هاشمی خوبی، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، مترجم حسن حسن زاده آملی و محمد باقر کمرهای، مصحح ابراهیم میانجی، ج 19، چاپ چهارم، تهران: مکتبه الإسلامیه، سال 1400 ق، ص 27.

2- ناصر، مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج 2، ص 592.

است چندین بار تغییر شکل دهد، ولی به هر حال نابود نمی‌گردد، حرکات دست و پای ما نیز نوعی انرژی است، این انرژی میکانیکی هرگز نابود نمی‌شود، ممکن است تبدیل به انرژی حرارتی یا انرژی دیگر گردد.

دیگر این که این نکته نیز با مطالعات دانشمندان و آزمایش‌های آن‌ها به ثبوت قطعی رسیده است که میان «ماده» و «انرژی» رابطه نزدیکی است، یعنی ماده و نیرو دو مظهر از یک حقیقتند، و «ماده» همان نیروی متراکم و فشرده است، و «نیرو» همان ماده گسترده، و لذا در شرایط معینی می‌توانند تبدیل به یکدیگر شوند. بنابراین هیچ مانعی ندارد که اعمال و گفتار ما که انرژی‌های مختلفی هستند و هرگز محو و نابود نمی‌شوند، بار دیگر به فرمان پروردگار جمع‌آوری شده و به صورت جسمی درآیند، و مسلم است که هر عمل جسمی خواهد شد متناسب با ویژگی‌هایش. بنابراین مساله تجسم اعمال را می‌توان یکی از معجزات علمی قرآن محسوب داشت و در آن روز که مساله بقاء انرژی‌ها، و تبدیل ماده به انرژی و بالعکس، مطلقاً در میان دانشمندان مطرح نبود، با صراحت در آیات و روایات عنوان گردید. بنابراین نه مشکلی از ناحیه «عرض» بودن اعمال وجود دارد، و نه مشکلی از ناحیه نابودی آن‌ها، زیرا اعمال نابود نمی‌شود، و عرض و جوهر در حقیقت جلوه‌های یک حقیقتند.¹

4- دسته دیگر از دانشمندان معتقدند: هر کرداری از ما، خوب و یا بد، یک صورت دنیوی دارد، که ما آن را مشاهده می‌نماییم و یک صورت اخروی، که هم اکنون در دل آن عمل نهفته است و در روز رستاخیز پس از تحولاتی که در آن رخ می‌دهد، شکل دنیوی خود را از دست داده و با شکل روز رستاخیز جلوه می‌کند.

از میان نظرات فوق، نظر اخیر، با ظواهر بسیاری از آیات قرآن کاملاً تطبیق می‌کند، بنابراین، اعمال انسان که اشکال مختلفی از انرژی‌ها هستند، طبق قانون «بقاء ماده و انرژی» هیچ‌گاه از میان نمی‌روند و

¹ -ناصر، مکارم شیرازی و همکاران، پیام قرآن (تفسیر نمونه موضوعی)، ج 6، چاپ اول، قم: نسل جوان، سال 1370 ش، ص 137.

همواره در این جهان باقی خواهند بود، گرچه، ما با مطالعه سطحی چنین می‌پنداریم که از میان رفته-
اند.

باطن و ملکوت بر خی از اعمال شایسته در روایات

با توجه به اینکه در رابطه با هیچ یک از اعمال نیک آیه‌ای در قرآن کریم ذکر نشده است که بیانگر باطن چنین اعمالی باشد و صرفاً به پاداش انجام دهندگان چنین اعمالی اشاره دارد لذا برای هیچ یک از اعمال مذکور در این قسمت آیه‌ای از قرآن آورده نشده و اعمال فقط از دیدگاه روایات بررسی شده است. از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که می‌فرماید: «وقتی بنده مومن وفات نمود، شش صورت با وی داخل قبر (برزخ) می‌شوند، در حالی که یک صورت در میان آن‌ها از بقیه صورت‌ها از لحاظ قیافه زیباتر و از جهت هیكل جذاب‌تر و از نظر رایحه، خوشبوتر و از لحاظ شکل، پاکیزه‌تر است. امام (علیه السلام) فرمود: پس صورتی در طرف راست او قرار می‌گیرد و صورتی دیگر در طرف چپ وی، یکی دیگر در مقابل و یکی در پشت سر او، یکی نزد پاهای وی و صورتی که از همه زیباتر است در بالای سر او. پس اگر خطری بخواهد از طرف راست به وی متوجه شود، صورتی که در طرف راست است از آن ممانعت می‌کند، سپس همین طور از هر کدام از جهات ششگانه گرفتاری که می‌خواهد به سوی او متوجه گردد، از جانب آن صورت‌ها رد می‌شود. امام (علیه السلام) فرمود: پس صورتی که از همه زیباتر است به بقیه صورت‌ها می‌گوید: خدای متعال به شما از جهت من جزای خیر عنایت بفرماید، شما چی، و کی هستید؟ پس صورتی که در طرف راست بنده مومن است می‌گوید: من نماز هستم، و صورتی که طرف چپ وی باشد، می‌گوید: من زکات هستم. صورتی که مقابل او است، می‌گوید: من روزه هستم، و صورتی که در پشت سر اوست می‌گوید: من سعی در خدمت و وصلت به برادرانت هستم سپس این

صورت‌ها به آن صورت زیباتر از همه می‌گویند: تو که از همه ما زیباتر و خوشبوتر و جذاب‌تر می‌باشی، چی و کی هستی؟ جواب می‌دهد: من ولایت آل محمد (علیهم السلام) می‌باشم»^۱.

صله رحم

صله رحم یعنی پیوستن با خویش و احسان کردن به او و نبریدن خود از او. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «در شب معراج مردی از امتم را دیدم که با همه مردم تکلم می‌کرد ولی هیچ کس او را تحویل نمی‌گرفت و با او صحبت نمی‌کرد. پس «صله رحمی» که در دنیا انجام داده بود آمد و با فریاد بلند گفت: ای مومنان! با او حرف بزنید و گفتگو کنید؛ زیرا او از کسانی است که در دنیا «صله رحم» می‌کرد و به دیدن اقوام و نزدیکان خود می‌رفت و از آنان دل جویی می‌نمود، پس از آن، مومنان با او تکلم کردند و با هم مصافحه نمودند»^۲.

بنابراین باطن و حقیقت قطع رحم کردن، قطع رابطه با تمامی مومنین است.

صدقه

صدقه دادن از اعمالی است که در دین اسلام تاکید فراوانی نسبت به انجام دادن آن شده و در روایات تجلی باطنی این عمل نیک به صورت سایه برای مومن و سپر برای آتش بیان شده است. چنان که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «إِنَّ الصَّدَقَةَ لَتُطْفِئُ عَنْ أَهْلِهَا حَرَّ الْقُبُورِ وَإِنَّمَا يَسْتَظِلُّ الْمُؤْمِنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ظِلِّ صَدَقَتِهِ»^۳ صدقه، گرمای گورها را از صدقه دهنده دور می‌کند و روز قیامت، مومن در سایه صدقه خود پناه می‌گیرد». امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «الصَّدَقَةُ جَنَّةٌ عَظِيمَةٌ وَ حِجَابٌ لِلْمُؤْمِنِ مِنَ النَّارِ وَ وَقَايَةٌ لِلْكَافِرِ مِنْ تَلَفِ الْمَالِ وَ يُعَجَّلُ لَهُ الْخَلْفَ وَ يَدْفَعُ السُّقْمَ عَنْ بَدَنِهِ وَ مَا لَهُ فِي

1- اصغر، طاهر زاده، همان کتاب، ص 104؛ محمد، شجاعی، همان کتاب، ص 63.

2- محمد بن علی، ابن بابویه، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، چاپ دوم، قم: دارالاشرف الرضی، 1406 ق، ص 368.

3- ابوالقاسم، پاینده، نهج الفصاحه، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش، سال 1382 ش، ص 283؛ محمد بن یعقوب، کلینی، الکافی (ط - الاسلامیه)، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، سال 1407 ق، ج 8، ص 2.

الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ.^۱ صدقه مومن سپری بزرگ و حجابی است برای او در برابر آتش، و صدقه کافر، دارایی او را از تلف شدن حفظ می‌کند و عوض آن در همین دنیا به او داده می‌شود و بیماری‌ها را از جسم وی دور می‌گرداند اما در آخرت نصیبی ندارد».

روزه

روزه یکی از عبادات مهم است که خدای تعالی آن را مخصوص و از آن خود می‌داند. در روایات از آن به عنوان سپر آتش و نصف صبر یاد شده، چون عبادتی است درونی و سرّی، آتش غضب و شهوت را خاموش می‌کند و موجب غلبه بر شیطان است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنْ آفَاتِ الدُّنْيَا وَ حِجَابٌ مِنْ عَذَابِ الْآخِرَةِ».^۲ روزه ماه رمضان سپری است (برای جلوگیری) از عذاب آخرت».

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند: «در شب معراج مردی از امتم را دیدم که در اثر تشنگی زبانش از دهانش بیرون آمده بود و هر وقت می‌خواست وارد حوض شود و آب بیاشامد او را می‌رانند و دور می‌کردند. سپس «روزه» ماه مبارک رمضان آمد و او را سیراب نمود و از تشنگی نجاتش داد».^۳

نماز

نماز مهم‌ترین وظیفه عبادی آدمیان و معیار قبولی سایر اعمال است. و طبق روایات، اولین چیزی است که در روز قیامت، انسان را به خاطر آن محاسبه می‌کنند و اگر پذیرفته شود، سایر اعمال هم پذیرفته می‌شود و اگر رد شود، اعمال دیگر نیز مردود می‌شود.

1- ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ج 2، ص 610؛ محمد، ری شهری، همان کتاب، ج 6، ص 242.
2- منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم (علیه السلام)، مصباح الشریعة ترجمه کتاب سلیم، بیروت: اعلمی، سال 1400 ق، ص 641.
3- همان، ص 169.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرمایند: «در شب معراج مردی از امتم را دیدم که ملائکه عذاب او را در بر گرفته (عذاب و شکنجه می کردند) «نماز صحیح» او آمد و ملائکه را از عذاب کردن او منع کرد. در حدیثی وارد شده است که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: وقتی میتی را دفن کردند نماز او به صورت شخصی نورانی داخل قبر رفیق و مونس خود می شود و ترس و سختی های عالم برزخ را از او رفع می کند»^۱.

همانطور که از روایات استفاده می شود صورت ملکوتی این عمل شایسته به صورت شخصی نورانی در آخرت مجسم می شود.

وضو

امام هادی (علیه السلام) می فرماید: «لَمَّا كَلَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مُوسَى (علیه السلام) قَالَ إِلَهِي مَا جَزَاءُ مَنْ أَتَمَّ الْوُضُوءَ مِنْ خَشْيَتِكَ قَالَ أُبْعَثُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ نُورٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ يَتَلَاؤُ^۲. زمانی که خداوند عزوجل با موسی بن عمران (علیه السلام) سخن گفت... موسی عرض کرد: خدایا! پاداش کسی که از خشیت تو وضو را کامل به جا آورد چیست؟ خداوند فرمود: روز قیامت او را در حالی مبعوث می کنم که در پیشانی اش نوری می درخشد».

همان طور که از روایات مذکور استفاده می شود تجلی باطن وضو به صورت نور میان دو چشم می باشد.

1- نعمت ا...، صالحی حاجی آبادی، انسان از مرگ تا برزخ، چاپ دوم، قم: فکرآوران، سال 1379ش، ص 168.
2- محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی، بحار الانوار (ط- بیروت)، ج 77، ص 301؛ نعمت الله بن عبدالله، جزائری، النور المبین فی قصص الأنبياء و المرسلین، چاپ اول، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، سال 1404ق، ص 301.

باطن و ملکوت اعمال بد ناشایست در آیات و روایات

غیبت کردن

غیبت آن است که چیزی نسبت به غیری که شیعه باشد ذکر کنی، که اگر به گوش او برسد او را ناخوش آید و به آن راضی نباشد.^۱ غیبت کردن منحصر به زبان نیست، بلکه هر نوعی که نقصی از غیر را بفهماند غیبت است، خواه به قول باشد، یا فعل، یا اشاره، یا رمز، یا نوشتن. آن که غیبت را می‌شنود نیز حکم غیبت کننده را دارد مگر این که در مقام انکار برآید و سخن آن شخص را قطع کند. یا از مجلس برخیزد و اگر قدرت بر این‌ها نداشته باشد در دل غضبناک گردد.^۲

در قرآن آمده: «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا... لَا یَغْتَبُ بَعْضُکُمْ بَعْضًا أیُّحِبُّ أَحَدُکُمْ أَنْ یَأْکُلَ لَحْمَ أَخِیهِ مَیْتًا فَکَرِهْتُمُوهُ...»^۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ... هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! همه شما از این امر کراهت دارید!...».

در حقیقت، آبروی برادر مسلمان هم چون گوشت تن اوست و ریختن این آبرو به وسیله غیبت و هم- چون خوردن گوشت تن اوست و تعبیر به «مرده» به خاطر آن است که «غیبت» در غیاب افراد صورت می‌گیرد که هم چون مردگان قادر به دفاع از خویشان نیستند و این ناجوانمردانه‌ترین ستمی است که ممکن است انسان درباره برادر خود روا دارد.

در روایات نیز از غیبت کنندگان به عنوان چهره‌خراشان تعبیر گردیده چنان که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت است که فرمودند: «مَرَرْتُ لَیْلَةَ أُسْرِیَ بِنِیِّ عَلِیٍّ قَوْمٍ یَخْمِشُونَ وَجُوهَهُمْ بِأَظْفَارِهِمْ»

1- احمد، نراقی، معراج السعاده، چاپ اول، قم: بقیه ا...، سال 1381ش، ص 446.

2- همان، ص 448.

3- سوره حجرات (49) آیه 12.

فَقُلْتُ: يَا جَبْرَائِيلُ! مَنْ هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ: هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَغْتَابُونَ النَّاسَ وَ يَعُونَنَ فِي أَعْرَاضِهِمْ. ۱ در شب معراج،

مردمی را دیدم که چهره‌های خود را با ناخن‌هایشان می‌خراشند. پرسیدم: ای جبرئیل! این‌ها کیستند؟

گفت: این‌ها کسانی هستند که از مردم غیبت می‌کنند و آبرویشان را می‌برند.»

سخن چینی

سخن چینی نقل سخنی است که کسی درباره شخصی گفته، پس شنونده برای آن شخص خبر

ببرد. ۲ خداوند می‌فرماید: «هَمَّا زِ مَّشَاءِ بِنَمِيمٍ... سَسَمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ. ۳ آن‌که بسیار عیب‌جوست، برای

سخن چینی در رفت و آمد است، ... (ولی) ما بزودی بر بینی او علامت و داغ ننگ می‌نهمیم!».

در روایات باطن سخن چینی به شکل‌های مختلفی بیان گردیده است که عبارتند از:

الف) بصورت میمون: از جمله عذاب‌های برزخ و قیامت برای نام این است که او در آن عالم به شکل

میمون درمی‌آید. چنان‌چه از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمودند: «شبی که مرا به

آسمان‌ها بردند عده‌ای را دیدم که به صورت میمون بودند اصحاب عرض کردند: یا رسول الله (صلی الله علیه

و آله و سلم) عمل او در دنیا چه بوده است؟ فرمود: عمل او سخن چینی بوده است.» ۴

ب) بصورت آتش و اژدها و مار: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «وَمَنْ مَشَى فِي نَمِيمَةٍ بَيْنَ

اَثْنَيْنِ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي قَبْرِهِ نَارًا تُحْرِقُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَإِذَا خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ تَيْنًا أَسْوَدَ

1- مسعود بن عیسی، ورام بن ابی فراس، آداب و اخلاق در اسلام، ترجمه تنبیه الخواطر، مترجم محمد رضا عطایی،

2- جلد، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، سال 1369 ش، ج 1، ص 115؛ محمد بن زین

الدین، ابن ابی جمهور، عوالی اللغالی العزیزه فی الاحادیث الدینیة، مصحح مجتبی عراقی، چاپ اول، قم: دار سید

الشهداء للنشر، سال 1405 ق، ج 1، ص 246.

2- عبد الحسین، دستغیب، گناهان کبیره، ج 2، چاپ اول، تهران: صبا، بی‌تا، ص 252.

3- سوره قلم (68) آیه 11 - 16.

4- حسن بن محمد، دیلمی، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، مصحح موسسه آل البیت (علیهم السلام)، چاپ اول، قم:

آل البیت (علیهم السلام)، سال 1408 ق، ص 410.

يَنْهَشُ لَحْمَهُ حَتَّى يَدْخُلَ النَّارَ.^۱ هر که میان دو کس سخن چینی کند، خداوند آتشی را در قبرش بر او مسلط کند که تا روز قیامت وی را بسوزاند و آنگاه که از گورش بیرون آید خداوند اژدهایی سیاه بر او مسلط گرداند که پیوسته گوشت بدن او را بگزد تا وارد دوزخ شود.»

خوردن مال یتیم^۲

از گناهانی است که خداوند وعده‌ی آتش بر آن داده بلکه تصریح به کبیره بودن آن کرده می‌فرماید: «انَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا.»^۳ کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می‌خورند، (درحقیقت) تنها آتش می‌خورند؛ و به‌زودی در شعله‌های آتش می‌سوزند.»

در حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است می‌فرماید: «شیبی که به آسمان برده شدم گروهی را دیدم که در شکم‌های آنان آتش افکنده می‌شود و از ماتحتشان بیرون می‌آید. گفتم: ای جبرئیل! این‌ها چه کسانی هستند؟ گفت: اینان کسانی هستند که اموال یتیمان را به ناحق می‌خورند و در حقیقت آتشی در شکم خود فرو می‌برند»^۴.

1 محمد بن حسن، شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، محقق موسسه آل‌البیت (علیهم السلام)، 30 جلد، چاپ اول، قم: موسسه آل‌بیت (علیهم السلام)، سال 1409 ق، ج 12، ص 306؛ محمد، ری شهری، همان کتاب، ج 12، ص 427.
2- یعنی طفلی که به حد بلوغ نرسیده و پدرش مرده است.
3- سوره نساء (4) آیه 10.
4 علی بن ابراهیم، قمی، تفسیر القمی، مصحح طیب موسوی جزائری، 2 جلد، چاپ سوم، قم: درالکتاب، سال 1404 ق، ج 1، ص 131؛ محمد بن مسعود، عیاشی، تفسیر العیاشی، مصحح سید هاشم رسول محلاتی، چاپ اول، تهران: المطبعه العلمیه، سال 1380 ق، ج 2، ص 284؛ محمد، ری شهری، همان کتاب، ج 13، ص 566.

دروغ و دروغ‌گویی

کذب در لغت به معنای عدم مطابقت است. و دروغگو کسی است که بر خلاف حقیقت خبری را می‌دهد. روایات زیادی در رابطه با مسئله دروغ و دروغ‌گویی در کتب اسلامی وارد شده است و به چهره باطنی این عمل ناشایست اشاره می‌کنند از جمله این‌که:

الف) دروغ سبب سلب صورت انسانی از دروغگو است یعنی صورت برزخی‌اش انسان نیست چنان‌چه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «لَمَّا أُسْرِيَ بِي رَأَيْتُ امْرَأَةً رَأْسُهَا رَأْسُ خِنْزِيرٍ وَ بَدَنُهَا بَدَنُ الْحِمَارِ وَ عَلَيْهَا أَلْفُ أَلْفٍ لَوْنٍ مِنَ الْعَذَابِ. فَسُئِلَ مَا كَانَ عَمَلُهَا؟ فَقَالَ: إِنَّهَا كَانَتْ نَمَامَةً كَذَّابَةً.»^۱ شبی که مرا به معراج بردند زنی را دیدم که سرش سر خوک بود و بدنش بدن الاغ و گرفتار هزار هزار نوع عذاب بود. سوال شد: او چه کرده بود؟ فرمود: او سخن چین و دروغ پرداز بود.

ب) دروغ عامل صدور بوی بد از قلب دروغگو است: از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) مروی است که فرمودند: «هرگاه مؤمن بدون عذر دروغ بگوید هفتاد هزار ملک او را لعن می‌کنند و از قلب او بوی بدی ظاهر می‌شود تا به عرش می‌رسد.»^۲

ج) دروغ سبب دخول در آتش است: شخصی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسید: «يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا عَمَلُ أَهْلِ النَّارِ؟ قَالَ: الْكُذِبُ إِذَا كَذَبَ الْعَبْدُ فَجَرَ وَ إِذَا فَجَرَ كَفَرَ وَ إِذَا كَفَرَ دَخَلَ النَّارَ.»^۳ چه عملی سبب دخول در آتش است؟ فرمود: دروغ. زیرا دروغ سبب فجور و فجور سبب کفر و کفر سبب دخول در آتش است.»

1- علی، مشکینی، درس‌هایی از اخلاق، چاپ اول، تهران: انتشارات الهدای، سال 1380ش، ص 180.
2- حسین بن محمد تقی، نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، 28 جلد، مصحح مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، سال 1408 ق، ج 9، ص 113؛ محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی، بحار الانوار (ط- بیروت)، ج 72، ص 263؛ محمد، ری شهری، همان کتاب، ج 12، ص 414.
3- محمد علی، نجفی، معاصی کبیره، تصحیح مهدی باقری و دیگران، چاپ اول، قم: بوستان کتاب، سال 1387ش، ص 149.

4- حسین بن محمد تقی، نوری، همان کتاب، ج 3، ص 93.

شراب خواری

از جمله خوراکی‌هایی که روی آن حساسیت نشان داده شده است و خوردن آن حرام و ممنوع شمرده شده است شراب می‌باشد.

از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده که فرمودند: «شارب الخمر محشور می‌شود روز قیامت در حالی که کوزه‌ای در گردنش است و قدح در دستش و بویش گندیده‌تر است از مرداری که بر زمین است، لعنت می‌کند او را هر که می‌گذرد بر او از خلاق».^۱ امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «إِنَّ أَهْلَ الرَّيِّ فِي الدُّنْيَا مِنَ الْمُسْكِرِ يَمُوتُونَ عَطَاشًا وَ يُحْشَرُونَ عَطَاشًا وَ يَدْخُلُونَ النَّارَ عَطَاشًا».^۲ آنان که در دنیا از مسکرات سیراب شوند، تشنه کام می‌میرند و تشنه کام محشور می‌شوند و تشنه کام به دوزخ می‌روند». با توجه به روایات مذکور تجسم باطنی شخص دائم‌الخمر روسیاهی و تشنگی، تغییرات و ناهنجاری‌های ظاهری است که نشان از عقوبت شدید نسبت به این گناه شنیع می‌باشد.

رباخواری

خداوند متعال فرموده است: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ».^۳ کسانی که ربا می‌خورند در قیامت از گورهای خود برنمی‌خیزند مگر مانند کسی که شیطان بسبب مس کردنش او را بیفکند...».

1 عباس، قمی، منازل الآخرة، منازل الآخرة، چاپ اول، قم: علویون، سال 1388ش، ص 78.
2- محمد بن یعقوب، کلینی، الکافی (ط - الاسلامیه)، ج 6، ص 395؛ محمد بن علی، ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، مصحح علی اکبر غفاری، 2 جلد، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، سال 1413 ق، ج 3، ص 561.
3 - بقره (2) آیه 276.

با توجه به احادیثی که از نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده با تعبیرات مختلفی از باطن رباخواری خبر داده شده است در برخی فرمایشات آن بزرگوار تعبیر به «مُنْكَسُونَ» و در روایتی دیگر «كَالْبَيْتِ الطَّحِمِ» و در بیان سوم «كَالْبَيْوتِ فِيهَا الْحَيَاتُ» و در حدیث چهارم «عِظَمِ بَطْنِهِ» آمده است که این اختلاف ممکن است بر حسب شدت و ضعف آلودگی افراد یا نشان از مواقف و مراتب مختلف عقوبت اخروی باشد.

حدیث اول: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «يُحْشَرُ أَصْنَافٌ مِنْ أُمَّتِي أَشْتَاتًا قَدْ مَيَّرَهُمُ اللَّهُ مِنْ الْمُسْلِمِينَ وَ بَدَّلَ صَوْرَهُمْ، ... بَعْضُهُمْ مُنْكَسُونَ أَرْجُلُهُمْ مِنْ فَوْقِ وُجُوهِهِمْ يُسْحَبُونَ عَلَيْهَا... وَ أَمَّا الْمُنْكَسُونَ عَلَى رُءُوسِهِمْ فَأَكَلَةُ الرَّبَا»^۱ ده گروه از امت من به صورت پراکنده محشور می‌شوند که خداوند آن‌ها را از سایر مسلمانان متمایز کرده... بعضی از آن‌ها در حالی که پاهایشان به سمت بالا و سرشان رو به پایین است کشان برده می‌شوند... آن‌هایی که نگونسارند، همان رباخواران هستند».

حدیث دوم: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «أَنَّهُ رَأَى لَيْلَةَ أُسْرِي بِرِجَالٍ بَطُونُهُمْ كَالْبَيْتِ الطَّحِمِ وَ هُمْ عَلَى سَابِلَةِ آلِ فِرْعَوْنَ فَإِذَا أَحْسَوْا بِهِمْ قَامُوا لِيُعْتَزِلُوا عَنْ طَرِيقَتِهِمْ فَمَالَ بِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ بَطْنُهُ فَيَسْقُطُ حَتَّى يَطْوَهُمْ آلُ فِرْعَوْنَ مُقْبِلِينَ وَ مُدْبِرِينَ فَقُلْتُ لِجِبْرِئِيلَ مَنْ هَؤُلَاءِ قَالَ أَكَلَةُ الرَّبَا، لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ»^۲ نقل شده است که در شب معراج مردانی را دید که شکم‌هایی مانند اتاقی مملو دارند و سر راه آل فرعون می‌آیند برخاستند تا از سر راه آنان کنار روند، اما شکم بزرگشان آن‌ها را به یک طرف می‌کشاند و می‌افتادند و آل فرعون از روی آن‌ها رفت و آمد می‌کردند. به جبرئیل گفتم: این‌ها کیستند؟ گفت: رباخوارانند که از جای خود مانند کسی بر می‌خیزند که شیطان، آشفته سرشان کرده است».

1- میرزا حبیب الله، هاشمی خویی، همان کتاب، ج 19، ص 301.

2- محمد، ری شهری، همان کتاب، ج 6، ص 356؛ حسین بن محمد تقی، نوری، همان کتاب، ج 13، ص 329.

حدیث سوم: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «أَتَيْتُ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي عَلَى قَوْمٍ بَطُونُهُمْ كَالْبَيوتِ فِيهَا الْحَيَاتُ تُرَى مِنْ خَارِجِ بَطُونِهِمْ، فَقُلْتُ: مَنْ هَؤُلَاءِ يَا جَبْرَائِيلُ؟ قَالَ: هَؤُلَاءِ أَكَلَةُ الرَّبَا. اشْبَى كِه به معراج رفتم، بر مردمی گذشتم که شکم‌هایشان چون خانه‌ای بود و در آن‌ها مارهایی وجود داشت که از بیرون شکم‌هایشان دیده می‌شد. پرسیدم: ای جبرئیل! این‌ها کیستند؟ گفت: اینان ربا خوارانند».

حدیث چهارم: و در جای دیگر می‌فرماید: «لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ أَقْوَامًا يُرِيدُ أَحَدُهُمْ أَنْ يَقُومَ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ عِظَمِ بَطْنِهِ فَقُلْتُ: مَنْ هَؤُلَاءِ؟ يَا جَبْرَائِيلُ! قَالَ: هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرَّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي تَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ وَإِذَا هُمْ بِسَبِيلِ آلِ فِرْعَوْنَ يُعْرَضُونَ عَلَى النَّارِ غُدُوًّا أَوْ عَشِيًّا يَقُولُونَ رَبَّنَا مَتَى تَقُومُ لِسَاعَةٍ^۲» در شب معراج جماعتی را دیدم که هرگاه یکی از ایشان می‌خواست برخیزد از بزرگی شکمش نمی‌توانست از جبرئیل پرسیدم این‌ها چه کسانی‌اند؟ گفت رباخوارانند که روز قیامت برنمی‌خیزند مگر مانند جن زده‌ها، ناگاه ایشان را بر راه آل فرعون دیدم که بامداد و شامگاه آتش بر ایشان عرضه داشته می‌شود و می‌گویند خداوندا چه وقت قیامت بر پا می‌شود».

زنا

در دین اسلام، زنا از گناهان کبیره است و حرام می‌باشد و در قرآن نیز آیاتی وجود دارد که شأن نزول آن‌ها درباره تحریم زنا می‌باشد. می‌فرماید: «الَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَ لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا^۳». از جمله صفات بندگان خدا آن است که نپرستند و نخوانند با خدای به حق خدای دیگری را (یعنی مشرک نباشند) و آن نفسی که خدا کشتنش

1- محمد، ری شهری، همان کتاب، ج 6، ص 356.

1- حسین بن محمد تقی، نوری، همان کتاب، ج 13، ص 339.

2- در روایات آمده که ائمه در این آیه چاهی در دوزخ است که اگر سنگی را از کنارش رها کنند در مدت هفتاد سال به قعر آن می‌رسد.

4- سوره فرقان (25) آیه 68.

را حرام فرموده نکشند و زنا نکنند، و کسی که این‌ها را بجا آورد (شرک، قتل، زنا) برسد و ببیند جزای خود را که شکنجه‌اش در روز قیامت دو چندانست و همیشه به خواری در آتش است».

چشم و گوش و دهن و دست و سایر اعضا هم زنا دارند مثل آن که زنا‌ی چشم نظر به نامحرم است از روی شهوت، و زنا‌ی گوش استماع صوت اجنبیه است از روی شهوت، و زنا‌ی دهن بوسیدن نامحرم است، و زنا‌ی دست لمس بدن نامحرم است. و هکذا سایر اجزا.

رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «هر کس با زنی یهودی یا نصرانی یا مجوسی یا مسلمان یا کنیز یا هر زن دیگری زنا کند، خداوند در گور او سیصد هزار در از آتش بگشاید و از آن درها مارها و عقرب‌ها و شراره‌های آتش بیرون آیند و او تا روز قیامت بسوزد و مردم از بوی گند عورتش متأذی باشند و تا روز قیامت او را به واسطه آن بو بشناسند و آن‌گاه دستور آید که او را به دوزخ ببرند و دوزخیان با آن که خود در عذابی سخت گرفتارند، از وجود او در رنج باشند»^۱. رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «وَمَنْ فَجَرَ بِامْرَأَةٍ وَ لَهَا بَعْلٌ، تَفَجَّرَ مِنْ فَرْجِهَا مِنْ صَدِيدِ وادیا [وَادٍ] مَسِيرَةَ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ، يَتَأَذَّى بِهِنَّ أَهْلُ النَّارِ مِنْ تَنْنِ رِيحِهِمَا، وَ كَانَا مِنْ أَشَدِّ النَّاسِ عَذَابًا»^۲. هر کس با زن شوهر داری زنا کند، رودی از چرک و کثافت از عورت آن دو به مسافت پانصد سال به راه افتد، به طوری که دوزخیان از بوی گند آنان به رنج افتند و عذاب آن دو از همه سخت‌تر باشد».

اصناف زنان گناهکار و عذاب آنها

در اینجا مناسب است بخشی از حدیث معراجیه را که پرده از باطن برخی از گناهان زنان برمی‌دارد را ذکر کنیم.

1- محمد، ری شهری، همان کتاب، ج 12، ص 422.

2- محمد بن علی، ابن بابویه، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص 280؛ محمد، ری شهری، همان کتاب، ج 12، ص

أمیر المؤمنین امام علی (علیه السلام) روایت می‌کند که فرمود: من و فاطمه بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) وارد شدیم، و دیدیم که به شدت گریه می‌کند. من عرض کردم: پدر و مادرم فدای تو یا رسول خدا! چرا گریه می‌کنی؟! رسول خدا فرمود: ای علی! در آن شبی که مرا به معراج به آسمان بردند، زن‌هایی از امت خود را در عذاب سختی مشاهده نمودم، و از وضعیت آن‌ها ملول و ناراحت شدم؛ و اینک از شدت عذابی که بر آن‌ها دیده‌ام به گریه در افتادم.

زنی را دیدم که به موهای سرش در دوزخ آویزان بود، و مخ و مغز سر او به جوش و غلیان درآمده بود.

و زنی را دیدم که به زبان خود آویزان بود، و حمیم و آب داغ جهنم در حلقوم او فرو می‌ریخت.

و زنی را دیدم که به پستان خود آویزان بود.

و زنی را دیدم که خودش گوشت بدن خود را می‌خورد، و آتش از زیرش افروخته می‌شد.

و زنی را دیدم که دوپایش به دو دستش بسته شده بود، و مارها و عقرب‌ها بر او مسلط بودند.

و زنی را دیدم که کور و کر و لال، در صندوقی از آتش بود، و مغز سرش از دو سوراخ بینی‌اش خارج

می‌شد، و بدن او از مرض پیسی و مرض خوره تگه تگه شده بود.

و زنی را دیدم که به دو پایش در تنوری از آتش آویزان بود.

و زنی را دیدم که پوست بدن خود را از جلو و از عقب با قیچی‌هایی از آتش می‌بریدند.

و زنی را دیدم که صورتش و دو دستش در آتش می‌سوخت؛ و خود، امعاء و روده‌های خود را

می‌خورد.

و زنی را دیدم که بر شکل سگ بود، و آتش از دُبرش داخل می‌شد و از دهانش خارج می‌شد؛ و

ملائکة عذاب سر او و بدن او را با گرزهای آتشین می‌زدند.

فاطمه (سلام الله علیها) گفت: ای حبیب من! و ای روشنی و تازگی بخش نور چشم من! ای رسول خدا! اعمال و کردار این زنان چه بوده است که خداوند این گونه عذاب را برای آنها مقرر فرموده است؟ رسول الله (صلی الله علیه وآله و سلم) فرمود: ای دختر من!

اما آن زنی که به مویش آویزان بود، آن زنی است که موی خود را از مردان نمی پوشاند.
و اما آن زنی که به زبانش آویزان بود، آن زنی است که شوهر خود را اذیت می کند. و اما آن زنی که به پستانش آویزان بود، آن زنی است که از رفتن به فراش و بستر شوهر خود، خودداری می کند.
و اما آن زنی که به دو پایش آویزان بود، آن زنی است که بدون اجازه شوهرش از خانه بیرون می رود.
و اما آن زنی که گوشت بدن خود را می خورد، آن زنی است که بدن خود را برای مردم زینت می کند.

و اما آن زنی که دو پایش به دو دستش بسته، و مارها و عقربها بر او مسلط شده بودند، آن زنی است که آب وضوی او کثیف است، و لباسش کثیف است، و از جنابت و حیض غسل نمی کند، و خود را پاکیزه و نظیف نمی دارد، و نماز را سبک می شمارد.

و اما آن زنی که کور و کر و لال بود، آن زنی است که از زنا بچه می زاید و آن بچه را به شوهرش نسبت می دهد.

و اما آن زنی که گوشت بدن خود را با قیچیها می بریدند، آن زنی است که خود را بر مردان عرضه می دارد.

و اما آن زنی که گوشت صورت و بدنش می سوخت و امعاء و روده های خود را می خورد، آن زنی است که واسطه عمل نامشروع بین مردی و زنی می گردد.

و اما آن زنی که بر شکل و صورت سگ بود و آتش از دُبرش داخل و از دهانش خارج می‌گردید، آن زن آوازه خوانی است که در مجالس آوازه خوانی و ماتم خوانی آواز می‌خواند، و نیز حسادت می‌ورزد¹.

1- آقا حسین، بروجردی، منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعة)، مصحح جمعی از فضلاء، چاپ اول، تهران: فرهنگ سبز، سال 1386 ق، ج 25، ص 679؛ محمد بن علی، ابن بابویه، ترجمه عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، مترجم حمید رضا مستفید و دیگران، ج 1، چاپ اول، تهران: صدوق، سال 1372 ش، ص 645.

نتیجه گیری

اعمال دنیایی، حیات آخرت انسان را تعیین می کند و با توجه به جمله «الدنیا مزرعة الآخرة» رابطه دنیا و آخرت رابطه «کشت» و «درو» است. لذا آن چه در آیات قرآنی و روایات به آن ها اشاره شده، چه در خصوص تجسم اعمال صالح و چه در خصوص تمثیل اعمال بد، از باب بیان گوشه‌هایی از یک حقیقت کلی می باشد.

خداوند متعال و حضرات معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) با بیان بعضی از قسمت‌ها، خواسته‌اند انسان‌ها را به این حقیقت کلی متوجه کنند که بعد از مرگ و در قبر و برزخ و آخرت، اعمال خوب و بد انسان با صور دیگری در برابر وی متمثل می‌شوند و برای انسان موجبات راحتی و سعادت و یا عذاب و هلاکت را فراهم می‌کنند. و خواسته‌اند با ذکر نمونه‌هایی انسان‌ها را متوجه این امر بکنند که عالم قبر و برزخ و آخرت برای خود، حساب و کتاب و احکام خاصی دارد و هر عملی از اعمال انسان در آن عالم، صورتی پیدا می‌کند و آثار جدیدی به دنبال خود می‌آورد و برای انسان، حساب جدیدی پیش می‌آورد. و بالاخره خواسته‌اند انسان‌ها را با بیان بعضی از قسمت‌ها و با ذکر بعضی از موارد، به قسمت‌های دیگر و به بقیه موارد نیز در حد کلی، متوجه سازند.

بنابراین، آن چه با دقت و تأمل می‌توانیم از روایات و همچنین از اشارات آیات قرآنی بفهمیم، این است که اعمال انسان در عالم برزخ و قیامت، متمثل می‌شوند و انسان با صور برزخی و اخروی اعمال خود در آن نظام، مواجه می‌گردد. در نتیجه، ذکر نمودن تمثیل بعضی از اعمال در آیات و روایات و ذکر نکردن بعضی دیگر، نمی‌تواند حاکی از این باشد که آن چه ذکر نگردیده، متمثل نخواهد شد. و همین‌طور است در باب عقاید و افکار و اخلاق و اوصاف.

بنابراین با توجه به وجود چنین مسائلی، انسان باید هر لحظه مراقب اعمال و رفتار خود باشد چرا که حسرت در روز قیامت سخت‌ترین پشیمانی‌هاست، زیرا هیچ راهی برای جبران وجود ندارد. لذا بهتر این است که هر انسانی تا در قید حیات است، خود به اصلاح کارهای خویش اقدام کند. و تلاش نماید تا به

مقام عبودیت دست یافته و به مقام قرب الهی برسد که تلاشی غیر از این سرانجامی نخواهد داشت. چرا که ما هر چه مال دنیا را جمع کنیم بیشتر از قارون و هر چه زور داشته باشیم بیشتر از فرعون نخواهیم داشت، همه رفتند و ما هر لحظه یک گام به مرگ نزدیک می‌شویم، در حدیث آمده که تعجب است از بهشتی که داوطلبان آن خواب و از دوزخی که فراریان آن غافلند.¹

کمی فکر کنیم که چرا بیش از هزار آیه قرآن درباره معاد است، چرا در سخنان معصومان و دعاهای آنان بیشتر به مسئله معاد توجه شده است؟ و چرا اکثر خطبه‌های حضرت علی (علیه السلام) سفارش به تقوا شده؟ و چرا هر روز در نماز باید جمله «مالک یوم الدین» را بگوییم؟

چرا امامان ما (علیهم السلام) در نماز آن قدر جمله «مالک یوم الدین» را تکرار می‌کردند تا از هوش می‌رفتند، چرا حضرت علی (علیه السلام) در دعای کمیل و امام سجاد (علیه السلام) در مناجات‌هایشان آن قدر اشک می‌ریزند؟ چرا امام حسین (علیه السلام) در بیابان عرفات در روز عرفه بقدری گریه می‌کند که ریگ زمین از اشک آن بزرگوار تر می‌شود؟ مگر چه خبر است که این همه قرآن و پیامبر و امامان ناله‌ها و گریه‌ها دارند؟

¹ - مسعود بن عیسی، ورام بن اُبی فراس، مجموعه ورام، ج 1، ص 438.

فهرست منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

منابع و مأخذ فارسی

- 1- ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، مترجم حمید رضا مستفید و دیگران، 1جلد، چاپ اول، تهران: صدوق، سال 1372 ش.
- 2- بروجردی، آقا حسین، منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعه)، مصحح جمعی از فضلاء، 25جلد، چاپ اول، تهران: فرهنگ سبز، سال 1386 ق.
- 3- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش، سال 1382 ش.
- 4- حکیمی، محمدرضا و دیگران، الحیاء، مترجم احمد آرام، 6 جلد، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، سال 1380 ق.
- 5- دستغیب، عبدالحسین، گناهان کبیره، 2جلد، چاپ اول، تهران: صبا، بی تا.
- 6- ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، 14جلد، چاپ هشتم، قم: دارالحدیث، سال 1386ش.
- 7- شجاعی، محمد، معاد یا بازگشت به سوی خدا، چاپ اول، تهران: ناشر شرکت سهامی، سال 1382ش.
- 8- صالحی حاجی آبادی، نعمت ا...، انسان از مرگ تا برزخ، چاپ دوم، قم: فکرآوران، سال 1379ش.
- 9- طاهرزاده، اصغر، معاد یا بازگشت به جدی ترین زندگی، چاپ سوم، اصفهان: گروه فرهنگی المیزان، سال 1386ش.
- 10- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، مترجم محمد باقر موسوی همدانی، 4جلد، چاپ بیست و هشتم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، سال 1388ش.

- 11- علی بن موسی، امام هشتم (علیه السلام)، صحیحہ الامام الرضا (علیه السلام)، محقق محمد مهدی نجف، چاپ اول، مشهد: کنگره جهانی امام رضا (علیه السلام)، سال 1406 ق.
- 12- قمی، عباس، منازل الآخره، چاپ اول، قم: علویون، سال 1388 ش.
- 13- مشگینی، علی، درس‌هایی از اخلاق، چاپ اول، تهران: الهادی، سال 1383 ش.
- 14- مظاہری، حسین، معاد در قرآن، چاپ پنجم، قم: شفق، سال 1372 ش.
- 15- مکارم شیرازی و همکاران، ناصر، پیام قرآن (تفسیر نمونه موضوعی)، 6 جلد، چاپ اول، قم: نسل جوان، سال 1370 ش.
- 16- _____، تفسیر نمونه، 27 جلد، چاپ بیست و ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، سال 1385 ش.
- 17- نجفی، محمد علی، معاصی کبیره، تصحیح مهدی باقری و دیگران، چاپ اول، قم: بوستان کتاب، سال 1387 ش.
- 18- نراقی، احمد، معراج السعاده، چاپ اول، قم: بقیه ا...، سال 1381 ش.
- 19- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام، ترجمه تنبیه الخواطر، مترجم محمد رضا عطایی، 2 جلد، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، سال 1369 ش.
- 20- هاشمی خوبی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، مترجم حسن حسن زاده آملی و محمد باقر کمرهای، مصحح ابراهیم میانجی، 21 جلد، چاپ چهارم، تهران: مکتبه الإسلامیه، سال 1400 ق.

منابع و مأخذ عربى

- 1- ابن ابى جمهور، محمد بن زين الدين، **عوالى اللئالى العزیزه فى الاحادیث الدینیة**، مصحح مجتبى عراقى، 1جلد، چاپ اول، قم: دار سيدالشهداء للنشر، سال 1405 ق.
- 2- ابن بابويه، محمد بن على، **ثواب الاعمال و عقاب الاعمال**، چاپ دوم، قم: داراشریف الرضى، 1406 ق.
- 3- _____، **الخصال**، مصحح على اكبر غفارى، 2 جلد، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، سال 1362 ش.
- 4- _____، **من لا يحضره الفقيه**، مصحح على اكبر غفارى، 2جلد، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، سال 1413 ق.
- 5- العروسى الحویزى، عبد على بن جمعة، **تفسير نور الثقلين**، مصحح سيد هاشم، رسولى محلاتى، 3جلد، قم: اسماعيليان، سال 1415 ق.
- 6- جزائرى، نعمت الله بن عبدالله، **النورالمبين فى قصص الأنبياء و المرسلين**، چاپ اول، قم: مكتبه آية الله المرعشى النجفى، سال 1404ق.
- 7- ديلمى، حسن بن محمد، **اعلام الدين فى صفات المؤمنين**، مصحح موسسه آل البيت (عليهم السلام)، چاپ اول، قم: آل البيت (عليهم السلام)، سال 1408 ق.
- 8- شيخ حر عاملى، محمد بن حسن، **وسائل الشيعة**، محقق موسسه آل البيت (عليهم السلام)، 30 جلد، چاپ اول، قم: موسسه آل بيت (عليهم السلام)، سال 1409 ق.
- 9- عياشى، محمد بن مسعود، **تفسيرالعياشى**، مصحح سيد هاشم رسول محلاتى، 2 جلد، چاپ اول، تهران: المطبعة العليمه، سال 1380 ق.

10- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، مصحح طیب موسوی جزائری، 2 جلد، چاپ سوم، قم: دارالکتاب، سال 1404 ق.

11- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط- دارالحدیث)، محقق دارالحدیث، جلد 11، چاپ اول، قم: دارالحدیث، سال 1429 ق؛ محمد بن یعقوب، کلینی، الکافی (ط- الإسلامية)، 8 جلد، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامية، سال 1407 ق.

12- کوفی اهوازی، حسین بن سعید، المؤمن، بی تا، قم: مؤسسه الإمام المهدی (علیه السلام)، سال 1404 ق.

13- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار (ط- بیروت)، مصحح جمعی از محققان، 111 جلد، چاپ دوم، بیروت: داراحیاء التراث العربی، سال 1403 ق.

14- منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم (علیه السلام)، مصباح الشریعة بیروت، چاپ اول، بیروت: اعلمی، سال 1400 ق.

15- نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، 28 جلد، مصحح مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، سال 1408 ق.

منابع و مأخذ دیجیتالی

www.azha.ir

1- سایت

2- نرم افزار قرآنی الرحمن.

3- نرم افزار جامع الاحادیث نور 3.